اخبار

انتشار «در جدال با خویشتن»

تلاشی نقادانه برای شناخت شمس تبریزی

به تازگی از دکتر مهدی محبتی، عرفان‌پژوه و منتقد ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه زنجان (دارای تالیفات متعدد در دو زمینه عرفان و نقد ادبی، مانند از معنا تا صورت؛ سیمرغ در جستجوی قاف (سیر تحوّل عقلانیت در ادب فارسی؛ پیمانه‌های بی‌پایان؛ تصحیح ترجمه رساله قشیریه و...) کتابی با عنوان «در جدال با خویشتن، نگاهی دیگر به احوال و اقوال شمس‌تبریزی» به همت بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه و در ۳۶۸ صفحه، در دو بخش اصلی معرفی احوال و شخصیت شمس تبریزی و گزیده مقالات شمس روانه بازار نشر شده است.

در سال‌های اخیر پژوهش پیرامون شخصیت مولانا جلال‌الدین رونقی داشته است. یکی از نتایج تبعی روند پرشتاب پژوهش درباره مولانا، بررسی برخی زوایای پیدا و پنهان شمس‌الدین تبریزی است که اکثراً تحول بنیادین اندیشه و شعر مولانا را حاصل دیدار مولانا با شمس می‌دانند؛ بنابراین آنچه در بسیاری از این نوشته‌ها در اولویت تحقیق محقق یا مولف بوده است، شخصیت مولاناست و نه شمس‌الدین تبریزی و تعیین جایگاه عرفان و آموزه‌های عرفانی او در تحول عرفان زبان فارسی. از سوی دیگر باوجود تصحیح ارزشمند دکتر محمدعلی موحد (بیشتر به دلیل ماهیت شفاهی و سرشت تقریری گفته‌های شمس در احوال مختلف) همچنان آشفتگی‌ها و ابهامات فراوانی در این نثر ارجمند عرفانی فارسی وجود دارد که حجم بالای تصحیح دکتر موحد و همچنین وجود گفته‌های ناکارآمد و حتی غیرآموزنده منتسب به شمس آنچنان که باید شخصیت و شکوهمندی گفته‌های شمس را به آنان نشان نداده است. علاقه‌مندان و جوانان معنویت‌مدارِ روزگار ما در درجه اول به دنبال متنی به دور از پریشیدگی‌اند که با توضیحات سودمند، مختصر و راهگشا تا جای ممکن آموزه‌های عرفانی متناسب این عارف بزرگ فارسی‌زبان برای زمانه ما نقد کند و مهدی محبتی در پاسخ به چنین دغدغه‌هایی در بین جوانان علاقمند دست به چنین تالیفی زده است.

بخش اول کتاب «در جدال با خویشتن» با اشاره به ویژگی‌های کمیاب و در پاره‌ای موارد نایاب شخصیت شمس آغاز می‌شود و مولف این کتاب با اشاره به آنچه از مقالات شمس می‌توان آموخت؛ «جرات دانستن و جربزه سرکشیدن» را از آموزه‌های مهم شخصیت شمس برای روزگار ما می‌داند و در ادامه به ویژگی‌های متفاوت نثر شمس تبریزی در مقالاتش می‌پردازد تا جایگاه این نثر مهم ادب عرفانی فارسی را در میان نمونه‌های مشابه تبیین کند. نویسنده در فصل دوم از نیمه نخست کتاب، به انواع هنجارگریزی‌های شمس در سه زمینه عرفی و اجتماعی؛ عرفانی و ادبی و همچنین هنجارگریزی کلامی و دینی او پرداخته است و جابه‌جا نکته‌یابی‌های خود را با ارجاع به صفحات متعدد مقالات شمس روشن کرده است. در این فصل که به نظر می‌رسد از مهم‌ترین قسمت‌های کتاب «در جدال با خویشتن» باشد، مهدی محبتی روشن کرده است با وجود تاکیدی که بسیاری از محققان در پیروی عاشقانه و بی‌چون و چرای مولانا از شمس دارد و او را همواره دنباله‌رو اندیشه‌های پیر و مراد خود، شمس تبریزی می‌دانند، وجوه افتراق و اختلاف شخصیت ایشان در برخورد با شخصیت‌ها بزرگ عرفانی ما همچون بایزید بسطامی و سنایی غزنوی قابل تامل است و ناگزیر باید در پاره‌ای موارد به استقلال اندیشه و شخصیت این دو عارف بزرگ ادب فارسی قائل بود.

در فصل بعدی تاویل شمس از آیات قرآن و روایات مورد دقت مولف قرار گرفته است و در آن تاویل‌گری ویژه و ناب شمس را در مواجهه با برخی از آیات و روایات را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که می‌بایست یکی از وجوه مهم شخصیتی شمس در مقایسه با بسیاری از اقرانش را در قلمرو تاویلات او دانست. در فصل چهارم تحلیل شخصیت شمس، به نحوه رویکرد او باَ جریانات مهم فلسفی جهان اسلام مانند معتزله و گروه اخوان‌الصفا و همچنین نقطه‌نظرات شمس درباره بزرگ‌ترین شخصیت‌های عقل‌مدار روزگار پیش از خود مانند ابن‌سینا، فخررازی، شیخ اشراق و خیام مورد بررسی جدی قرار گرفته است. در آخرین فصل از بخش نخست کتاب، سعی شده‌است به اختصار شرحی از احوال زندگی شمس تبریزی بر اساس منابع غالباً دست اول و قابل‌اعتمادترِ زندگی او، با نثری هنری و خلاق ارائه شود. این شرح‌حال مختصر و چند صفحه‌ای اصلی‌ترین ابعاد شخصیت و مهمترین رخدادهای زندگی او را به مخاطب خود نشان داده است. از کاربردی‌ترین بخش‌های کتاب برای هر پژوهشگری، فصلی است که پس از شرح‌حال زندگی شمس به کارنامه شمس‌پژوهی اختصاص یافته‌است و در آن اهمّ منابعی که به زندگی و آثار شمس پرداخته‌اند، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

دکتر مهدی محبتی در بخش دوم کتاب «در جدال با خویشتن» که تقریبا نیمی از کتاب را به خود اختصاص داده است، نمونه‌هایی از نثر مقالات شمس‌الدین تبریزی را انتخاب کرده است و در پاورقی صفحات هر جا ابهامی بوده با افزودن توضیحی راهگشا و غالباً کوتاه برای مخاطبان جوان‌تر موانع فهم این نثر را برای آن‌ها هموار کند. نویسنده کتاب پیمانه‌های بی‌پایان، با وجود محدودیتی که همواره در این گزیده‌ها وجود دارد تلاش کرده اصلی‌ترین نگره‌های ناب شمس و زبان خاص او را در همین گزیده مختصر به مخاطب خود منتقل کند، به‌طوری‌که هر خواننده‌ای مهارت شگفت شمس تبریزی را در پرداخت روایت‌های کوتاه عرفانی با انتخابی که از بهترین نمونه‌های داستان‌پردازی او صورت گرفته است، در می‌یابد.

در مجموع کتاب «در جدال با خویشتن» از دکتر مهدی محبتی، تلاشی است برای شناسایی شخصیت، اندیشه و عرفان شمس تبریزی، عارف بزرگ زبان فارسی، برای آن‌دسته از مخاطبان علاقه‌مندی که متون عرفانی ادبیات فارسی را با نگاهی انتقادی و بهره‌جویانه از آموزه‌های متناسب این متون با روزگار ما مطالعه می‌کنند.

در نشست هم‌اندیشی «بررسی آیین‌های مذهبی در سینمای ایران» مطرح شد:

به الگوسازی از امام حسین(ع) نیاز داریم

نوزدهمین نشست هم‌اندیشی«سینما، گفتمان فرهنگی» با موضوع «بررسی آیین‌های مذهبی در سینمای ایران» با حضورکارگردانانی چون: داریوش یاری، دانش اقباشاوی، کیانوش دالوند و یزدان عشیری و امیررضا مافی از منتقدان و کارشناسان سینما در محل سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

نیاز به خردورزی جمعی سینماگران و علمای دینی

به گزارش امتیاز؛ در ابتدای برنامه یزدان عشیری، در خصوص چالش‌های موجود در عرصه سینمای دینی گفت: در این نشست قرار است به بررسی جایگاه آئین‌های مذهبی در سینمای ایران بپردازیم. متاسفانه، آمار تولید فیلم با موضوع آئین‌های مذهبی بسیار کم است. در حالی که سینما می‌تواند به مثابه ابزار و دریچه‌ای برای معرفی این گونه آئین‌ها در جامعه باشد به نظرم این رسانه، از گستره نیاز و مطالبه جامعه عقب مانده است. دست سینما و تلویزیون در این زمینه خالی است و سفره سینما از نظر تولیدات مذهبی و آیینی بسیار فقیر است.

وی افزود: احتمالا مشکلاتی چون: محافظه کاری، وجود قرائت‌های مختلف از مسائل و مفاهیم دینی، عدم اهتمام و کم توجهی برخی دستگاه‌ها و مسئولان ذی ربط، محدودیت امکانات ساخت این گونه فیلم‌ها در کنار تجربه‌های ناموفق صورت گرفته و ... مهم‌ترین دلایل بی‌مهری و فاصله سینما از ورود به این عرصه است.

عشیری خاطرنشان کرد: سالانه فیلم‌های زیادی در زمینه تاریخ مذاهب و پیامبران دینی در سینمای غرب ساخته می‌شود که عموما همراه با تحریف و مبتنی بر فلسفه اومانیسم امروز است ولی سینمای ما از این قضیه غافل است. تقریبا، ۱۵۰ فیلم اجتماعی سلانه، در ایران تولید می‌شود که در این چشم انداز جای موضوعات دینی کمرنگ است. رفع این مشکل نیاز به بررسی موضوع در بخش‌های مدیریتی، همراهی جامعه سینمایی و فیلمسازان دارد. معتقدم ریشه یابی مشکلات سینمای دینی اقدامی است ضروری که هم اندیشی و خردورزی جمعی سینماگران و علمای دینی را می‌طلبد.

فقدان حکمت و اخلاق

داریوش یاری کارگردان « کربلا جغرافیای یک تاریخ»، اخلاق و حکمت را لازمه جامعه امروز معرفی کرد و اظهار داشت: اساسا همه فیلمسازان و مسئولان نسبت به بیان مشکلات، محافظه کارانه برخورد می‌کنند تا خدای ناکرده مشکلی برای کسی ایجاد نشود؛ درحالی که این محافظه کاری منجر به آزار پیشکسوتان و ماهیت سینما شده است. مسائل تئوری مربوط به آیین‌ها و مذهب حوزه بسیارگسترده‌ای است و به قول استاد بلوک باشی «آیین» لباسی بر تن فرهنگ است. ما سرشار از این آیین‌ها هستیم که به علت عدم آگاهی و شناخت ناکافی به راحتی از آن گذشته‌ایم. در حالی که بخشی از این آیین‌ها به مراسم‌های عزاداری، شور و شادی و ... مربوط می‌شود که به مراتب در برنامه‌های تلویزیونی و ایام خاص متناسب با رسوم شهرهای مختلف با آن روبرو شده‌ایم. مراسم نخل گردانی، تشت گذاری، عزاداری، سینه زنی و زنجیر زنی چیزی است که همه ما به نحوی متفاوت آن را دیده‌ایم. اینگونه مراسم‌ها از زیباترین و شگفت انگیزترین جلوه‌های آیینی ایرانی‌ها بوده و به آیین‌های جوانمردی در ایران مربوط می‌شود. جامعه ما نیاز به حکمت و اخلاق دارد.

یاری ادامه داد: ما بازار حکمت و اخلاق را به باد داده‌ایم و تنها به حسینیه داری و موکب داری بسنده کرده‌ایم. رسم سخنوری به منظور آموزش حکمت و اخلاق ایجاد شده و سردسته این آموزش‌ها «حسین ابن علی(ع)» بوده که در وصف آن می‌گوییم ان الحسین مصباح الهدی و السفینهٔ النجاة . جنگ امام حسین(ع) درس حکمت و اخلاق بود تا اندازه معرفت آدم‌ها در داشتن انصاف معلوم شود. اگر ما سینمای آیینی و دینی نداریم به این دلیل است که جامعه به شدت دچار کمبود حکمت و اخلاق است. فقدان حکمت و اخلاق باعث کمرنگ شدن سینمای دینی شده است. مسائل دیگری بر این کمبودها صحه می‌گذارد که بخشی از آن به فیلمسازان و بخش دیگر به مسئولان حکومتی و مدیران فرهنگی مربوط می‌شود.

تولید فیلم‌های شیعی

دانش اقبال شاوی در خصوص وضعیت سینمای دینی گفت: سینمای آیینی می‌تواند نوعی فرم هم محسوب شود. بخش‌های آیینی و زیبایی شناسی آثار دیگر کشورها از جمله: فیلم‌های مارتین اسکورسیزی باعث حسرت آأم می‌شود و او به نحو احسن از آیین‌های کاتولیک برای زیبایی شناسی بهره برده است.

اقباشاوی افزود: مقام معظم رهبری(ره) در بیانات خود بارها گلایه داشته‌اند که چرا تاکنون فیلمی در وصف حال و هوای نماز جمعه ساخته نشده است. این نکته بینی دقیقی از ایشان بوده است که سالی ۵۲ بار در این مراسم شرکت می‌کنیم ولی در سینما از آن غافل مانده و بعضا در ساخت فیلم‌های خود کمتر به نمادهایی از آیین‌های مذهبی و ایرانی می‌پردازیم. سینمای دیگر کشورها با الهام از آیین‌ها مخاطب داخلی و خارجی را با اعتقادات خود آشنا می‌کند. در اکثر فیلم‌های آمریکایی کلیسا و جزئیات اندیشه کاتولیک به وضوح دیده می‌شود. ما هم می‌توانیم استفاده هویت مندی از اعتقادات در سینما داشته‌ایم.

این کارگردان سینما اظهار داشت: ما آیین‌های دراماتیک بسیار جذاب و خوبی داریم که برای مخاطب ملی و بین‌المللی جالب و دیدنی است. بدون نزدیکی به اگزوتیزم می‌توانیم از آیین‌ها و حکمت‌ها به شکل زیبایی در فیلم‌ها استفاده کرده و فیلم‌های شیعی تولید کنیم تا همان قدر که هیات‌ها پرشور برگزار می‌شود سینما هم حجم بالایی از مخاطب را به خود اختصاص دهد.

رنسانس سینمایی

کیانوش دالوند در این نشست گفت: در جامعه با مشکل بزرگی مواجه هستیم که قبل از سینما و ساخت فیلم‌های آیینی و مذهبی باید آن را حل کنیم. جمله معروفی داریم که می‌گوید «سینماگران کاهنان معابد امروز هستند» و هنرمند کسی است که اسطوره را به عصر خود می‌کشد و آن را متناسب با زمانه خود به روز می‌کند. ما در ایران سینمادار را کاهن نمی‌دانیم و سینماگر جرئت ندارد کاهن باشد.

وی افزود: آیین‌ها همیشه دروازه‌ای برای عملی کردن اسطوره‌ها بوده و آن را الگوسازی می‌کنند. ساختار سینما قدرت تاثیرگذاری بر مخاطب را دارد اما متاسفانه سینماگران از این امکان و اجازه محروم هستند. مگر می‌شود برخی از چهره‌ها که قرن‌ها الگوی ماست در فیلم‌ها نشان داده نشود؟ و این الگوها حتی حق داد زدن در فیلم را ندارند و فیلمساز را مجبور به حاشیه کشاندن افراد اصلی و برجسته کردن آدم بدها می‌شود. در فیلم‌های مذهبی ما نقش‌های منفی تاثیرگذاری بیشتری بر مخاطب دارند. در سریال امام علی(ع) عمروعاص به مراتب پررنگ تر از امام علی(ع) است. در سریال امام رضا(ع) و دیگر فیلم‌های مذهبی هم این مشکل وجود دارد. بنابراین مادامی که این معضل حل نشود مشکل سینمای دینی و آیینی ما در بحران قرار دارد.

دالوند یادآور شد: هر کس خوانش متفاوتی از مذهب و اعتقادات دارد و بعضا آن را در سینما اعمال کرده است و حتی مداحی‌ها هم قابل استناد نیست و همه مردم ایران فکر می‌کنند داستان‌های مذهبی را به خوبی می‌دانند اما به علت ناکارآمدی رسانه همه خوانش متفاوتی از مذهب دارند. در حالی که در فیلم‌های آمریکایی افراد به واسطه سینما تبدیل به اسطوره شده‌اند.

وی اظهار داشت: ما برای اسطوره سازی نیاز به دانش و آگاهی از آیین‌ها داریم. ما به رنسانس و الگوسازی از امام حسین(ع) نیاز داریم. نیاز داریم که چهره بازیگران نشان داده شود و این یکی از بزرگترین ایرادات سینمای دینی و آیینی ما است.

فقدان نظام معرفتی

امیررضا مافی گفت: در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تقاضای مردم برای دیدن فیلم‌های آیینی به تولیدات تلویزیون منحصر شده است. صدها بار «مختارنامه» را مرور می‌کنیم اما در سینما نهایتا با «رستاخیز» و خط قرمزها مواجه می‌شویم. کار به جایی رسیده است که امروز دیگر به فیلم‌های درام هم احتیاجی نداریم و تنها به دنبال فیلم‌های کمدی و خنده دار می‌گردیم.

وی اذعان داشت: خیلی از افراد بر این باورند که محصول دیگری در برابر اینگونه فیلم‌ها وجود ندارد اما من معتقدم که مسئله و پرسش مخاطب امروز علت حادثه کربلا نیست چرا که سالها درباره این موضوع شنیده و می‌داند. در حال حاضر آیین‌ها در تفکرات امروزی به کارناوال‌هایی تبدیل شده است که ذائقه‌ها را ارضا کرده و مردم را به این حد راضی می‌کند. آیین‌ها قرار است از مفاهیم موجود در تاریخ حفاظت و نگهداری کنند.

مافی ادامه داد: قراراست آیین اتفاقات رخ داده در تقویم را به تاریخ تبدیل کنند و آن را نسل به نسل منتقل کنند. آیین‌های ما تا پیش از سده اخیر در این اقدام موفق بوده‌اند اما در سده اخیر بنابر چند اتفاق، از تاریخ فاصله گرفته است. در دوران پهلوی اول آیین‌ها سرکوب شده و از دهه ۴۰، حکومت آیین‌ها را به سبک خوانش خود تبدیل کرده و ما را از پایان دوره قاجار به نحوی دستوری وارد دوره مدرن کرد. در این زمان پروژه مدرن شدن به دستور رضاخان ایجاد می‌شود که بدون اشباع سنت تا پهلوی دوم ادامه پیدا می‌کند که رهبری کلاسیک و انقلاب سنتی را در پی داشت.

وی اضافه کرد: در تلاطم سده اخیر به دنبال دستورالعملی برای آیین‌هایمان بوده‌ایم که در شکل گیری آن طیف‌های سیاسی نیز وارد می‌شوند که نتیجتا جامعه با آیین‌های مصادره شده توسط گروه‌های مرجع مواجه شده و محتوا را مصادره شده می‌داند و به کاناوال روی می‌آورد. این مخاطب دیگر به دنبال دیدن آیین‌ها در سینما نیست. در جامعه امروز ما نه مخاطب نیازش را احساس می‌کند و نه سازنده خود را مکلف به ساخت فیلمی می‌کند که خط قرمزها، محدویت‌ها و سختی‌های بسیاری دارد. چرا این نیاز در مخاطب ما وجود ندارد چون ما نظام معرفتی برای امروز جامعه مان نداریم. بنابراین زمانی که این تشنگی احساس شود مسئول فرهنگی هم به دنبال آن به ساخت فیلم‌ها می‌پردازد. فیلمساز در بال متفکران و استفاده از آنها به ترجمه افکار در فیلم می‌پردازد. فیلمساز امروز ما از متفکران محروم است.

فیلم «قیصر» نمونه‌ای از یک آیین است

داریوش یاری در ادامه به مبحث تفاوت سینمای دینی و آئینی پرداخت و عنوان کرد: فیلم‌های دینی، آیینی و تاریخی تفاوت بسیاری با هم دارند. چرا همه اصرار دارند که فیلم «رستاخیز» فیلمی آیینی است؟ بلکه «رستاخیز» فیلم تاریخی جان دار و با وجود نقدهای زیاد مذهبی به آن، در نوع خود بسیار محکم است. همچنین فیلم «روز واقعه» فیلمی دینی تاریخی است اما فیلم «قیصر» نمونه‌ای از یک آیین است و شجاعت و جوانمردی را به تصویر کشیده است.

این کارگردان سینما؛ فیلمسازان را آدم‌های تنبلی در پژوهش معرفی کرد و یادآور شد: فیلمسازان برای بیان آیین‌ها وقت نمی‌گذارند. فیلمنامه‌هایی با مضمون محرمی را به ما می‌دهند که در حد محدود هم اطلاعات درستی در آن وجود ندارد. ما ۱۴۰۰ سال زحمت کشیده‌ایم حادثه‌ای را به حماسه تبدیل کرده و شخصیت‌ها را به اسطوره تبدیل کنیم و ایرانی‌ها به واسطه فرهنگ‌ها و اعتقادهایشان در این اقدام موفق بوده‌اند. در تعزیه‌های ایرانی با اصالت، شهادت امام حسین را نمی‌بینیم و در فرهنگ اصیل نباید کشته شدن قهرمان دیده شود تا تبدیل به اسطوره شود. ما با این بینش امام حسین(ع) را به اسطوره تاریخ اسلام تبدیل کرده و توانسته‌ای در برابر عرب بایستیم.

شهدا پرچم دار فتوت و اخلاق

در ادامه اقباشاوی متذکر شد: سینما هنر جوانی است و در مقابل دیگر هنرها ۱۲۰ ساله است. در این سالها ۵۷ سال آن عملا در بی محتوایی زمان پهلوی و نبود فیلم‌های آیینی گذشته است و تنها ۴۰ سال در دست جریان‌های مذهبی قرار گرفته و باید خوش بینانه به آن نگاه شود. در میان فیلم‌های دفاع مقدس، تعداد انگشت شماری از آثار به محتوای آیینی و مذهبی می‌پردازند. مرحوم ملاقلی پور،حاتمی کیا و درویش از جمله فیلمسازانی هستند که در طی این سالها نسبتا آثاری آیینی را به سینمای ما رسانده‌اند.

وی افزود: شعر و ادبیات هنر کم هزینه‌ای است اما صنعت سینما به اندازه مناسب قوام نیافته اما تجربه‌هایی همانند «روز واقعه» و «رستاخیز» را به خود دیده است. باید به سینمای آیینی خوش بینانه نگاه کنیم. نمی‌توان انتظاری که از محتشم کاشانی داشته ایم را از فیلمسازان هم داشته باشیم. معتقدم اگر ما بر فن و صنعت سینما مسلط شویم سینمای آیینی و مذهبی کشورمان با همین تک مضراب‌ها به پیشرفت می‌رسد و من به آن امیدوار هستم.

یاری در واکنش به اقباشاوی عنوان کرد: ما خودمان نخواسته‌ایم به سینمای آیینی بها بدهیم و زیر و رو کشیده‌ایم و به فکر کاسبی و رونق دکان‌های خودمان بوده‌ایم. سینما مرکز انتقال حکمت و اخلاق بوده و این وظیفه را برعهده دارد.

اقباشاوی تاکید کرد: کشور ما از دل یک انقلاب بیرون آمده و همراه جنگ قادر به رشد سینما بوده‌ایم. پرچم‌دار سینمای آیینی فیلمسازان، مردمان مبارز در دهه ۶۰ ، رزمندگان و شهدا هستند که خود نمادی از فرهنگ فتوت هستند. ناگفته نماند پرده سینما روایتگر قصه‌ها است. فیلم را پول و زمان می‌سازد. سینما یک صنعت پیچیده و هزینه بر است که چرخش تنها با تولید فکر و محتوا نمی‌چرخد. جریان صنعت سازی نیاز به ساختار دارد.

رشد ابتذال در فیلم‌ها

دالوند ادامه داد: ما ملت کم کاری هستیم و در قلمروی فرهنگی کم کاری می‌کنیم. باید فیلم ساخته شود، خرابکاری‌هایی صورت بگیرد که به تجربه برسیم تا به کم و کاستی اشراف پیدا کنیم. تا قبل از انقلاب سیستمی در سینما وجود داشت که بعد از انقلاب دیگر خبری از آن نبود. امروز بدنه سینما از هم جدا شده و همه از جمله فیلمساز، موسیقدان، سینمادار ساز خود را می‌زنند. ما به دانشگاه هم اعتقادی نداریم و به مباحث فرهنگی جور دیگری نگاه می‌کنیم در حالی که از میان مباحث راهکار خوب پیدا می‌شود.

وی ادامه داد: سطح مطالعه فعالان عرصه فیلمسازی و فرهنگ بسیار پایین است و بعضا افرادی هم که مطالعه زیادی دارند رقیبی برای به چالش کشاندن مباحث ندارند. سواد ما درعرصه سینمای آیینی کم است و این بحران جامعه ما را فراگرفته و تا جایی پیش می‌رود که از انجام فعالیت‌های فرهنگی واهمه داریم. تقریبا، الان، ۷۰ درصد فیلم‌ها مبتذل و سطحی است.

کارگردان انیمیشن عاشورایی «ناسور» ادامه داد: کم کاری جامعه فرهنگی و عدم تعامل فرهنگی بین افراد بر کمبود تولید فیلم‌های آیینی و مذهبی در سینمای ایران تاثیر گذاشته و جسارت را از فیلمسازان جوان و اولی گرفته است در حالی که این افراد ذهن جوان و جسوری دارند که در مقابله با نقدهای کوبنده و غیراصولی مسیر رشد را برای آنها دشوار می‌کنند. از هر ۱۰ فیلم در سینمای هالیوود، ۷ اثر ضرر کرده، ۲ فیلم هزینه ساخت خود را به دست آورده و یک فیلم در اوج سوددهی قرار می‌گیرد که ضرر بقیه را جبران می‌سازد. تقویت زیرساخت‌ها مهمتر از کمیت و کیفیت آن است. با وجود کمبودها، ایران جزو ۱۰کشور برتر سینمای دنیا است و در حوزه انیمیشن نیز یکی از سرآمدان محسوب می‌شویم و جز معدود کشورهایی تلقی می‌شویم که از قبل از انقلاب تاکنون توان تولید بالای ۱۰۰ فیلم در سینما را داشته‌ایم. سینمای ایران بسیار نجیب و قوی است اما برای بقا و ماندگاری آن نیاز به زیرساخت، تولید، تجارب، نشست‌های دانشگاهی و استفاده از علوم بینابینی داریم. فیلمسازان ما کمتر به خواندن کتاب، دیدن تئاتر و رفتن به سینما می‌پردازند و در مسیر جریان فرهنگی مسدود قرار گرفته‌ایم.

سینما انعکاسی از احوالات مردم

مافی نیز یادآور شد: ما به لحاظ مطالعات می‌توانیم اسوه‌ها را به اسطوره‌ها تبدیل کنیم این در حالی است که هر کدام از این‌ها ویژگی‌هایی دارند که بخشی از نیازهای معرفتی یک جامعه را حمل کنند. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که معناخواهی وجود دارد. در این میان افرادی که معنا را به مردم می‌دهند، به سلبریتی‌ها تبدیل شده و در دسترس مردم قرار می‌گیرند. طبقه متوسط جامعه نیز فارغ از بحث ارزشی جذب این سلبریتی‌ها می‌شوند. در این میان مطالبه معنا شکل می‌گیرد. زمانیکه مطالبه معنا شکل گرفته اما متفکری برای پاسخگویی به آن وجود ندارد، بنابراین فیلمساز هم در عرصه سینما قادر به پاسخگویی معنا نخواهد بود.

وی تولیدات سینمایی یک کشور و نمایش آن بر پرده سینما را نشانگر احوالات مردم آن مرز و بوم دانست و عنوان کرد: امروز بر روی پرده سینمای ما چه چیزی دیده می‌شود؟ حتی آدم‌هایی که یک دورانی فیلم‌های معنادار ساخته‌اند دیگر نسبت به تولید این آثار اقدام نمی‌کنند. امروز کمال تبریزی چه فیلمی می‌سازد؟ چه می‌ساخته؟ این اتفاق در همه فیلمسازان در حال تکثیر است حتی مهدویانی که فیلم رد خون را ساخته است با مهدویان ماجرای نیمروز یکی محسوب می‌شود؟ این مطالبات وجود دارد اما سر در سینمای ما معنای آن را مشخص می‌کند. مردم ما به دنبال هزینه برای دیدن آثاری نظیر ستایش هستند و با افتخار هم از بیننده ۸۵ درصدی آن حرف می‌زنند.

این منتقد سینما یادآور شد: واکنش بازیگران نسبت به یک اتفاق منجر به همراهی مردم در جریان سازی می‌شود در این میان داعیه داران متفکر تا توده مردم وارد جریان تازه می‌شوند. حادثه روستای لردگان از جمله این جریان سازی‌ها است. همه روشنفکران ما به ترندها واکنش نشان می‌دهند و تا به حال روشنفکری نداشته‌ایم که به جای واکنش، عکس العمل کنش از خود نشان دهد و به دنبال پاسخ به اتفاقات هستند در حالی که مشخص نیست معنا را باید از چه کسی به دست آوریم. وی تصریح کرد: چه کسی به ما یاد داده است که چه بخشی از آیین‌ها قابلیت آموزش به کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و میانسالان را دارد؟ ما از روز اول درباره عاشورا برای همه گروه‌های سنی یک قصه مشخص رو تعریف کرده‌ایم. علما و روحانیون ما جز گفتن قصه عاشورا و گریاندن مردم چقدر از معرفت و چیزهای دیگر سخن می‌گویند؟ در پاسخ حضرت زینب(س) مبنی بر ما رأیت الا جمیلا چه می‌توانند بگویند؟ مقام این بانو ایستادن در مقابل یزید و بحث با او نیست. حضرت زینب (س) قطعا چیزی جز جمال ندیده‌اند. کجای عاشورا و زجرهای آدم‌هایش زیباست؟ هر چه در دنیا در حسن ذاتی فعل وجود دارد، در لشکر امام حسین (ع) هم موجود است و این نمودی از جمله کل یوما عاشورا است. شاید به مزاج خیلی از افراد خوش نباشد امت جامعه عاشورایی صرفا رفتن به پیاده روی اربعین حسینی نیست، در حالی که این شیوه برای ساختن مناسک خوب است اما قبل از این پیاده روی، نیاز به پیاده روی نفوسی داریم که طریقت امام حسین (ع) را نشان داده و یک قدم بر نفس هر انسانی برداشته شود. متولیان این فرهنگ‌ها برای نفس انسان‌ها چه اقدامی کرده اند؟

مافی اذعان داشت: سینماگران باید آیین‌ها را نه به صورت مستمر بلکه در لابه لای آثار خود بیان و معرفی کند اما ما آیین‌ها را یا له و یا علیه آن چیزی که هست، نشان می‌دهیم. ما هیچ وقت از ظرفیت‌های آیین‌ها استفاده نکرده‌ایم و این معضل بزرگی در سینمای آیینی است و متروک و مستهلک شدن آن هم برایمان اهمیتی نداشته است. در این میان هیچ ارگان و مکانی برای حفاظت از این آیین‌ها نداریم تا از آن نگهداری شود. این در حالی است که در دانشکده‌های آمریکا برای گردآوری آثار خوانندگان دوران شاه در ایران، هزینه‌های بسیاری صورت می‌گیرد تا نسبت به آن پژوهش‌ها و مستندات خوبی داشته باشند. اما ما برای حفظ آیین‌های خود هم کاری انجام نداده‌ایم. مخاطب امروز ما به دلیل نداشتن نظام معرفتی در جامعه، فاقد پرسش بوده و همواره به دنبال صرفا پاسخ هستیم.

نگاه توریستی به حماسه عاشورا

یاری نیز اذعان داشت: ما در سینما دست به هر چیزی که زده‌ایم به کاریکاتور تبدیل شده و خراب کرده‌ایم. فیلم کمدی خوب به «اجاره نشین‌ها» و «مهمان مامان» گفته می‌شود نه فیلم‌هایی که فله‌ای در حال تولید است. در حوزه فیلم‌های تاریخی، «مختارنامه» پز جنگجویان کوهستان را هم زده است؛ چرا که بازیگران از حرکات آکروباتیک برای نمایش جنگ استفاده کرده‌اند. من نمی‌دانم این شیوه فیلمسازی چیست؟ ما اگر به دنبال ساخت فیلم‌های عربی و تاریخی هستیم باید یکبار فیلم «محمد رسول الله» را ببینیم تا نحوه جنگیدن عرب را یاد بگیریم. کشتی فرنگی چه جایگاهی در فیلم‌های آیینی و تاریخی دارد که بازیگران در صحنه جنگ از آن استفاده می‌کنند؟

کارگردان«کربلا جغرافیای یک تاریخ» عنوان کرد: فیلمسازان ما به واقعه عاشورا و آیین‌ها نگاه توریستی دارند و با فیلم‌های خود هیچ چیزی به مخاطب اضافه نمی‌کنند. نگاه این فیلمسازان فاقد عمق و معناست و قرار نیست بینش جدیدی به مخاطب بدهد.

وی در خصوص عدم نمایش «رستاخیز» تصریح کرد: روزی که قید فیلم «رستاخیز» را زدند، در واقع ریشه سینمای دینی را زدند. من این فیلم را به شخصه دوست نداشتم ولی همین که از اکران آن جلوگیری کردند یعنی ترتیب خیلی‌ها را دادند و خیلی از افراد باید دیگر سمت اینگونه فیلمنامه‌ها نیایند و غلاف کنند. بنابراین چند عامل منجر کم کاری در سینمای آیینی می‌شود، که یا نگاه فیلمسازان به سینما، نگاهی توریستی است یا فیلمساز با حال خوب به ساخت اینگونه آثار می‌پردازد اما مدیران فرهنگی بنابر مصلحت خود از فیلم‌ها استقبال نمی‌کنند.

یاری اظهار داشت: ساخت فیلم‌های تاریخی به جای آیینی نتیجه نگاه توریستی فیلمسازان و تهیه کنندگان به سینما است که منجر به مسیری اشتباه شده است. اما اشکال اصلی کارفرمایان فرهنگی این حوزه است که هر دو سال تغییر کرده و حتی فعالان حوزه خود را نمی‌شناسند و از فعالیت‌های تاثیرگذار در این عرصه غافل هستند. من شرمنده سیدالشهدا هستم چرا که چیزهایی را یاد گرفته‌ام اما به خاطر حفظ منافع خود آزادگی نداشته‌ام تا مقابل ظالم ایستاده و حقی که به عنوان فیلمساز بر گردنم افتاده را محقق کنم.

دالوند نیز سینماگران را دو دسته دانست و تاکید کرد: دو نوع سینماگر وجود دارد. عده‌ای ضعف را در مشکلات اجتماعی دیده و به تصویر می‌کشند و عده‌ای نگاه عمیق‌تری به موضوعات داشته و با دغدغه و مطالعه بیشتری به بیان موضوعات قبل از وقوع می‌پردازند. بنابراین، قادر به تشخیص و بیان درمان در قصه است که متاسفانه از این نوع سینماگر محروم هستیم. سینمای دینی و آیینی نیاز به این جنس از آدم‌ها دارد که به دلایل مختلفی نبود آن را احساس می‌کنیم. امروز باید واقعیت‌ها در داستان‌های فیلم‌ها تعریف شود. ما به سینمای آیینی نیاز داریم اما به مصادیق غیرمرتبطی با آن توجه می‌کنیم.

وی اذعان داشت: سینمای یک کشور نماینگر خیلی از موضوعات است و زیر ساخت‌های بسیاری را لازم دارد. تاثیر سینما در بیان موضوعات مهم تا حدی است که در جنگ جهانی دوم ژنرال آلمانی با دیدن فیلم برباد رفته اعتراف می‌کند که ما قادر به شکست این ملت نیستیم چرا که این چنین محصول قدرتمندی را تولید کرده است. بنده معتقدم سینمای آیینی ما توان پیشرفت دارد برای رسیدن به آن نیاز به احیای زیرساخت‌ها دارد تا با تولید فیلم‌های خوب شرایط را برای حمایت و اکران آن فراهم کند و حتی قادر به فروش فیلم‌های خوبی به کشورهای دیگر باشیم.

مافی در ادامه اظهار داشت: آیین‌ها یکی از بزنگاه‌هایی هستند که همانند تابلوی راهنما قادر به راهنمایی مردم به راه درست هستند و اگر نتوانیم اطلاعات و واقعیت‌های آیینی را در غالب فیلم و متن به نسلی منتقل کنیم سینمایی هم نخواهیم داشت. جامعه ما دچار فقدان معنای شدید است.

عشیری خاطرنشان کرد: دلایل مختلفی منجر به فقر سینمای دینی شده است. کم کاری و فقدان مطالعات پشتیبان و پژوهش فیلمسازان از سوی باعث شده ما شاهد خلق فیلم‌های ماندگار و تاثیرگذار نباشیم. همه ما بارها فیلم مصطفی عقاد را دیده‌ایم و هر بار که از تلویزیون پخش می‌شود دوست داریم ببینیم. این هم یک اثر دینی است و با مصادیق و مستندات واقعی تاریخ اسلام ساخته شده است. چرا آثار دینی که در سه چهار دهه اخیر در کشور ساخته شده خیلی طرفدار و خاطرخواه ندارد؟ در این باره، فرافکنی و سوق دادن مشکل به سمت مهندسی اکران و سینمادار شاید نقدی شنیدنی باشد ولی همه علت نیست. البته، نگرانی نسبت به واکنش طیف‌های مختلف اجتماعی هم مزید بر علت است و باعث شده است تا جسارت و جرات در زمینه ساخت فیلم‌های مذهبی کمرنگ